

## اتحاد؛ تاکتیک سیاسی یا تکلیف الهی؟

سید مهدی نربمانی  
عضو حلقه علمی افق  
دانش پژوه دوره عالی فقه اسلامی مقارن

**چکیده:** به گمان برخی افراد بی اطلاع، شیعیان به خاطر آنکه در اقلیت به سر می‌برند، مسئله «اتحاد اسلامی» را مطرح کرده‌اند.

در این نوشتار مسائلی در زمینه اتحاد مسلمانان کنکاش شده است. نگارنده پس از واژه‌شناسی، موضوع «یکپارچگی» و «گسستگی» جامعه اسلامی و مسائل پیرامون آن دو را مورد بحث قرار داده است و با استفاده از آیه‌ها و روایت‌ها چنین برداشت می‌کند که «اتحاد مذاهب اسلامی» از صدر اسلام به عنوان تکلیفی شرعی مطرح شده است؛ لیکن با القائات مسموم و حرکت‌های تخریبی گروه‌هایی خاص، این وظیفه به عنوان تاکتیکی سیاسی تلقی شد. برخورد افراطی برخی، با دعوت‌کنندگان به «یکپارچگی»، چنان شد که امروز «ایجاد هماهنگی مسلمانان» نیز به صورت یک آرزو درآمده است. **کلید واژگان:** اتحاد اسلامی، انسجام اسلامی، مدهنه، تفرقه، امت واحده، مذاهب اسلامی.

### مقدمه

ایجاد «امت یکپارچه» از دیرباز جزء آموزه‌ها و آرمانهای دین اسلام بوده است، لیکن به دلیل سستی و کاهلی دانشمندان و مسلمانان، این مسئله هیچ‌گاه محقق نشد. برخی، از همان نخستین لحظه‌های دعوت عمومی پیامبر ﷺ، بذر تفرقه و جدایی را در دل مسلمانان پاشیدند و کار را به جایی رساندند که امروز باید «انسجام و هماهنگی مسلمانان» را در آرزوها بجوییم.

در مورد اتحاد و یکپارچگی میان امت اسلامی، چند دیدگاه وجود دارد: برخی از اهل سنت، این شیوه را ابتکار شیعیان می‌دانند که چون در اقلیت قرار اند، دست به طرح چنین مسئله‌ای زده‌اند.

برخی از شیعیان گمان می‌کنند اتحاد مسلمانان تنها تاکتیکی سیاسی است که در برابر دشمن مطرح می‌شود. شاید سرچشمه این گمانه از آنجاست که حکومت‌های شیعی، هنگامی که به قدرت می‌رسیدند، با نرمش نسبت به مذاهب دیگر برخورد می‌کردند؛ لیکن برخی قدرتهای اسلامی که گرایش ضدشیعی داشتند، هرگاه به قدرت می‌رسیدند، دست به کشتار گسترده شیعیان می‌زدند. برخی به سبب نگرش بلند و شناخت کافی از فلسفه دین، بر این باورند، که چون سرچشمه همه ادیان یکی است، پس دارای وحدت هستند، بنابراین، دین، عطر وحدت می‌افشاند نه تفرقه. در واقع، ایشان فلسفه دینداری را «بجاء وحدت» می‌دانند که هرگونه تفرقه‌ای سبب زیان رساندن به آن می‌شود. باید دقت داشت، اگرچه برخی گروهها نسبت به شیعیان تندخویی می‌کنند، لیکن انسان در برخورد با دیگران، نیازمند راهنمایی آموزه‌های دینی است. در واقع، باید با دیگران بر پایه سفارشهای اسلامی رابطه برقرار کرد؛ همان‌گونه که امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز چنین بودند.

### واژه‌شناسی:

در این بخش از مقاله، به معنای برخی واژگان کلیدی اشاره می‌شود تا واژه مناسب و همسان با معنای «یک‌پارچگی» به دست آید.

- اتحاد به معنای پیوستن دو چیز و تبدیل شدن آن دو به یک چیز است. البته این پیوستن و یکی شدن همیشه مجازی است؛ یعنی اگر چه در واقع یکی نشده‌اند، در ظاهر به هم پیوسته‌اند و از هم جدایی ندارند<sup>۱</sup>.
- انسجام یعنی هماهنگ بودن<sup>۲</sup>.
- تفرقه یعنی گسستگی و جدایی<sup>۳</sup>. مردم از هم جدا شدند و هر کسی به جانی رفت<sup>۴</sup>.
- وحدت یعنی یکی شدن حقیقی<sup>۵</sup>.

۱. گاهی اهل سنت در مرکز حکومت شیعی، نیز به شیعیان رحم نمی‌کردند و آنها را به خاک و خون می‌کشیدند و کتابخانه‌های آنان را در آتش جدایی می‌سوزاندند؛ چنان که در حکومت شیعی آل بویه، عضدالدوله، حاکم بویه در عراق، محمد بن عمر بن یحیی علوی حسینی را بازداشت کرد و یک میلیون دینار اموال او را مصادره کرد و نیز ابوالاحمد حسین موسوی، پدر سیدرضی و سیدمرتضی و برادر او ابوعبدالله را دربند کرد و به شیراز تبعید کرد (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۴۰).

۲. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده «و.ج.د».

۳. جبران مسعود، الرائد، ص ۳۰۵.

۴. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده «ف.ر.ق» ذیل حدیث «ولا یجمع بین متفرق ولا یفرق بین مجتمع».

۵. جبران مسعود، الرائد، ص ۵۰۷.

فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده «و.ج.د».

## تفاوت واژگان:

با کمی دقت، در می‌یابیم، واژه مناسب و صحیحی که معنای «یک‌پارچگی» را به همراه داشته باشد، همان واژه «اتحاد» است؛ و از واژه «تفرقه»، ناگفته پیداست که معنای متضاد مراد ما فهمیده می‌شود. واژه «انسجام» نیز به معنای «هماهنگ بودن» است، این معنا برای رساندن مقصود ما کافی نیست؛ چون «هماهنگی» درجه‌ای پایین‌تر از «یک‌پارچگی» است. کلمه «وحدت» نیز به معنای «یکی شدن» است و این معنایش بسیار قویتر از آن مرادی است که ما به دنبال آن هستیم؛ زیرا یکی شدن همه مذاهب اسلامی - اگر چه از آرمانهای اسلامی به شمار می‌رود - لیکن به دلایلی، دست نیافتنی است. پس مناسبترین واژه برای معنای مورد نظر، «اتحاد» است.

یادآوری این نکته لازم به نظر می‌رسد که «اتحاد» به معنای «مداهنه» نیست؛ چون مداهنه در امور به ویژه در مسئله دین، به عنوان منشی ناپسند مطرح است و از مواردی است که آسیبهای جدی به ایمان وارد می‌سازد.<sup>۱</sup> «مداهنه» که به معنای «سهل‌انگاری» و «سازش‌کاری»<sup>۲</sup> است، در واقع، به معنای «کوتاه آمدن در برابر دیگران» است. با تأسف بسیار، گاهی به دلیل نبود مدیریت قوی در برخی مسائل، با چنین مواردی برخورد می‌کنیم که بی‌گمان، در درازمدت، آثار منفی و خراب‌کننده‌ای را به همراه دارد. در ادامه مقاله، با استفاده از برخی آیه‌ها و روایتهای، مسئله اتحاد و یک‌پارچگی، و حکم فقهی آن، در محورهای زیر مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد:

۱. یک‌پارچگی، هدیه‌ای آسمانی؛

۲. به بیراهه نروید؛

۳. یک‌پارچگی آرمان اسلام.

### ۱. یک‌پارچگی، هدیه‌ای آسمانی

خداوند متعال در آیه شریفه ﴿... وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾<sup>۳</sup>؛ «بیاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند، همه برادر دینی یکدیگر شدید در صورتی که بر لبه پرتگاه آتش بودید و خداوند شما را نجات داد، باری بدین مرتبه وضوح

۱. برای نمونه؛ رک: بحار الانوار، علامه مجلسی، ۱۲۵ و ۱۳۰ و ۵/۲۹ و ۳۲۵ و ۴۱۰ و ۲۰۹/۷۲ و ۲۸۳ و ۴۳۲ و....

۲. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ذیل ماده «و.ج.د».

۳. آل عمران/۱۰۳.

خداوند آیاتش را برای راهنمایی شما بیان میکند، تا به سعادت دست یابید.» نخست اتحاد میان مسلمانان را «هدیه‌ای الهی» دانسته، سپس مسلمانان جدا از هم را به گرفتارشدگان بر لبهٔ پرتگاه تشبیه می‌کند که خداوند ایشان را نجات داده است، و همین نجات‌بخشی را نشانه‌ای برای هدایت‌شدن مردم معرفی می‌کند.

## ۲. به بیراهه نروید

برخی آیه‌های قرآنی هشدار می‌دهد که در فهم دین به بیراهه نروید و در دین خدا دچار گسستگی و جدایی نشوید؛ چون برانگیختن پیامبران و فرستادن کتابهای آسمانی، برای جلوگیری از اختلاف و تفرقه بوده است: ﴿... فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ...﴾؛ «خداوند رسولان را فرستاد، ... و با آنها کتاب فرستاد تا نسبت به اختلاف پیش آمده در میان مردم به عدالت حکم شود».

در واقع، خداوند متعال در این آیه تصریح می‌کند که پیدایش جدایی و تفرقه در دین خدا، با غرض خداوند از فرستادن رسولان و نازل کردن کتابهای آسمانی، منافات دارد. این گسسته‌نشان آن است که دین به درستی درک نشده و فلسفهٔ دین‌داری آشکار نشده است؛ زیرا دین‌داری به معنای یک‌پارچگی است و در واقع، باید چنین گفت: از آنجا که همهٔ آیین‌ها، دارای سرچشمه‌ای یگانه هستند، پس آموزه‌های آنها نیز باید عطر وحدت داشته باشد نه تفرقه. حال که روشن شد آیین برای پیوستگی آمده است؛ باید دانست که بدفهمی یا کج‌فهمی مردم سبب شده است که به بیراهه کشیده شوند و در چاه تاریک تفرقه گرفتار آیند.

## ۳. یک‌پارچگی؛ آرمان اسلام

آرمان اسلام تشکیل جامعه‌ای یگانه است. به همین سبب، خداوند با چشم‌پوشی از اختلاف مسلمانان، ایشان را به عنوان «امت واحده» معرفی کرده است.<sup>۱</sup> شاید این، وسیله‌ای برای بیدار کردن مسلمانان باشد. یعنی خدا دین را برای اتحاد میان شما فرستاده است. شما ببینید آیا مصداق «امت واحد» هستید یا اینکه همچون دیگران گرفتار جدایی شده‌اید؟ روشن شد که یک‌پارچگی مردم، آرمان آیینهای الهی بوده که خداوند آن را هدیه‌ای از سوی خویش معرفی کرده است. در ادامه به مواردی که خداوند متعال برای استواری این خوی در میان مسلمانان، دوباره بر عنصر اتحاد سفارش کرده است، اشاره می‌شود.

۱. بقره/۲۱۳، برای مطالعهٔ بیشتر، ر.ک: نحل/۶۴، زحرف/۶۳.

۲. «بی‌گمان امت شما، امت واحده است» (انبیاء/۹۲؛ برای مطالعهٔ بیشتر، ر.ک: مؤمنون/۵۲).

خداوند و فرستادگانش؛ برای نهادینه کردن این روحیه در میان مسلمانان، از چند روش بهره جسته‌اند؛ که عبارتند از:

- دستور به یک‌پارچگی؛
- بیان فرجام نیک یک‌پارچگی؛
- بازداشتن از گسستگی؛
- بیان سرانجام دردناک گسستگی؛
- اشاره به سرچشمه‌های گسستگی؛
- ارائه راهکاری برای اتحاد.

پس از این، نمونه‌هایی از آیه‌ها که انسان را به موارد طرح‌شده در بالا رهنمون است، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

#### • دستور به یک‌پارچگی

خداوند متعال در آیات بسیاری، مسلمانان را به یک‌پارچگی دستور داده است. گاهی از رهگذر بیان یک عبادت به این مهم دستور داده است: ﴿...وَأذْكُرُوا مَعَ الرَّائِعِينَ﴾؛ «با رکوع کنندگان، رکوع کن» و گاه، ضمن دستور به جهاد به این مهم اشاره کرده و گفته است: ﴿... خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا تَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعاً﴾؛ «سلاح جنگ برگیرید و دسته دسته یا همه به یکبار، برای جنگ بیرون روید». در آیه‌ای نیز به طور کلی فرموده است: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً﴾؛ «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید». این آیه در همه شرایط، حفظ وحدت را لازم دانسته است؛ چون صیغه امر نزد همگان بر معنای وجوب دلالت دارد.

پیامبر ﷺ فرمود: «عليكم بالجماعة و إياكم و الفرقة»؛ «بر شما واجب است یکپارچه باشید و از هرگونه پراکندگی بپرهیزید». در واقع، حضرت در این روایت، از چند روش برای تأکید این مطلب بهره جسته است:

استفاده از جمله اسمیه در فراز نخست؛

تصریح به لزوم و وجوب این مسئله؛

ترساندن و بر حذر داشتن از جدایی و گسست؛

بهره‌جستن از ادات تحذیر برای نهی، که تأکید فراوانی به همراه دارد.

۱. بقره/۴۲.

۲. نساء/۷۱.

آل عمران/۱۰۳.

با توجه به این نکته‌ها، حساسیت و ارزشمندی پاسداشت و نگاهبانی از یک پارچگی در دیدگاه خداوند متعال و فرستادگانش بر زمین، آشکار می‌شود.

### • بیان فرجام نیک یک پارچگی

نیکو بودن یک پارچگی به قدری واضح و روشن است که هر خردمندی از فایده‌های آن آگاه است و در واقع، همچون روز برای همگان نمایان است که با یک پارچگی و اتحاد می‌توان کارهای به ظاهر ناشدنی را به انجام رساند، لیکن در برخی روایت‌های معصومان (علیهم‌السلام) نیز به فرجام نیک این مهم اشاره شده است. در جایی، اتحاد و یک پارچگی را - هر چند میان افراد کم - سبب بزرگی و نفوذ ناپذیری دانسته‌اند<sup>۱</sup> و در بسیاری از روایتها نیز به مؤید بودن جماعت اشاره شده است، حتی تعبیر کرده‌اند: «دست خداوند با جماعت است. این در حالی است که شیطان با کسانی قدم می‌زند که از جامعه جدا شده‌اند»<sup>۲</sup>.

### • بازداشتن از گسستگی

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، یکی از شیوه‌های نهادینه کردن خوی اتحاد و همبستگی، بازداشتن و نهی کردن از جدایی و گسستگی است. خداوند نیز برای آنکه حجت را بر همگان تمام کند، با عبارتهای گوناگون، به صراحت از این کردار ناپسند نهی کرده است و همگان را از پراکندگی بر حذر داشته است. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup>؛ «همانند امتهایی نباشید که پس از آمدن آیه‌های روشن‌گر الهی، باز راه تفرقه را پیمودند. بی‌گمان کیفر چنین مردمانی، سخت و دردناک است». در واقع، در این آیه، از زمینه ساز تفرقه که همان «درگیری‌های بیهوده» است، نهی شده است. نیز گفته است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...»<sup>۴</sup>؛ «همگی به رشته دین خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید». در این آیه به صراحت بیشتر همگان را از هرگونه جدایی بازداشته است. حتی در برخی موارد، در ضمن رخدادی تاریخی، بدین موضوع اشاره کرده است<sup>۵</sup>.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶.

۳. آل عمران/۵.

۴. آل عمران/۱۰۳.

۵. انفال/۴۶.

### • بیان سرانجام دردناک گسستگی

از آنجا که مطالعه و مرور سرگذشت دیگران، سبب بیداری انسانهای عبرت‌آموز می‌شود و از سوی دیگر، یکی از روشهای بازداشتن از خطا، اطلاع یافتن شخص بر سرانجام کردار اوست، خداوند متعال در بسیاری از آیه‌های قرآنی از این دو روش نیز بهره گرفته و با به‌کارگیری الفاظ گوناگون، آن را دنبال کرده است تا مسلمانان را از تفرقه دور کند. از این رو، گاهی به رخدادهایی که سبب پراکندگی امت‌های پیشین شده است، اشاره می‌کند و در پایان، کیفر دردناک روز رستاخیز را یادآور می‌شود و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۱</sup> و در برخی موارد نیز پیامبرش را چنین خطاب می‌کند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾<sup>۲</sup>؛ «چشم از جدایی طلبان ببوش؛ ... از دست آنها غمگین نباش؛ چون کیفر کارشان به خداست و به عذاب سخت، دچار می‌شوند». در واقع خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد که از کسانی که از گزند پراکندگی در امان نمانده‌اند، دوری کند. گاهی نیز مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾<sup>۳</sup>؛ «همگی پیرو خدا و رسول او باشید و هرگز در راه اختلاف، گام نگذارید، چون سبب جدایی و ترس و سستی شما می‌شود». در این آیه، پیامد از هم گسستگی را بدیشان یادآوری می‌کند و سرانجام اختلاف و جدایی در دنیا را جز بی‌آبرویی و سستی و شکست نمی‌داند و در جای دیگر ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾<sup>۴</sup>؛ «برخی مردم، از پیش خود، اختلاف کردند. وای بر ایشان در روز بزرگ حضور همگانی!» می‌فهماند که تفرقه، ارمغان‌آور عذاب و حشتناک دوزخ است.

در برخی از روایتها به سرانجام هولناک جدا شدن از جامعه مسلمانان اشاره شده است و با قاطعیت چنین گفته شده است: «من فارق جماعة المسلمين فقد خلع ربة الإسلام من عنقه»<sup>۵</sup>؛ «هر کس از جامعه مسلمانان جدا شود، بی‌گمان ریسمان اسلام را از گردن خویش باز کرده است». در این روایت، جمله به صورت شرطیه استعمال شده است، مفهوم این جمله شرطیه این است: «به محض جدایی از مسلمانان، از آیین اسلام نیز جدا شده‌ای»؛ یعنی شرط باقی ماندن در آیین اسلام آن است که از مسلمانان فاصله

۱. آل عمران/۱۰۵.

۲. انعام/۱۵۹.

۳. انفال/۴۶.

۴. مریم/۳۷؛ نیز رک: زخرف/۶۵.

۵. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۹۷.

نگیری. در این روایت، برای رساندن این مطلب از ادات تأکید بهره گرفته شده است:

- جمله اسمیه به کار برده شده است؛

- از ادات شرط استفاده شده است؛

- با «ف» تفریع، تحقق شرط بر جزا مشروط شده است؛

- از حرف تأکید «قد» بهره برده شده است.

در روایت دیگری نیز حضرت علی علیه السلام چنین گفته است: «کسانی که جدایی طلبند، اگر چه زیاد باشند، از مردمان باطل اندیش هستند، لیکن کسانی که یک پارچگی خویش را نگاه دارند، از اهالی حق هستند»<sup>۱</sup>.

حفظ یک پارچگی، آن قدر ارزشمند است که فرشته وحی می گوید: «کسی که با مسلمانان یکپارچه نیست، یکدهم اسلام را به دست نیآورده است»<sup>۲</sup>.

نتیجه، اگر چه دلالت آیه‌های قرآنی روشن است و نیازمند توضیح نیست، لیکن برای نتیجه‌گیری باید چند مقدمه را در نظر گرفت:

۱. خداوند برای رساندن پیام خویش مبنی بر لزوم پاسداری از یک پارچگی، از هیئت امر بهره جسته است.

۲. خداوند برای نهادینه شدن اتحاد در میان مسلمانان، با استفاده از هیئت نهی، آنان را از هرگونه گسست و پراکندگی بر حذر داشته است.

۳. بیشتر دانشمندان اسلامی دلالت هیئت امر بر وجوب و نیز دلالت هیئت نهی بر حرمت را پذیرفته‌اند<sup>۳</sup>.

۴. بر همگان روشن است که اگرچه شأن نزول آیه‌های قرآن، شخصی بوده است، هیچ‌گاه شأن نزول، باعث تخصیص حکم آیه به همان مورد خاص نمی‌شود؛ زیرا آیه‌های قرآنی همانند خورشید، جاری هستند<sup>۴</sup>؛ یعنی اگرچه یکبار نازل شده‌اند، لیکن در موارد گوناگون جریان پیدا می‌کنند و هیچ‌گاه گذر زمان آنها را مندرس و کهنه نمی‌کند.

پس از ذکر این مقدمه‌ها، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد: با توجه به این همه تأکید پروردگار و فرستادگانش، بی‌شک، پاسداری از یک پارچگی مسلمانان بر همه مسلمانان واجب و زمینه‌سازی پراکندگی بر همگان حرام شرعی است.

۱. ابن شعبه حرانی، تحفالعقول، ص ۱۵۰.

۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۴.

۳. آیت‌الله خوئی، اجود التقریرات، ص ۹۴؛ محمدرضا مظفر، اصول الفقه، ج ۱، ص ۹۴.

۴. علامه مجلسی، بحارالانوار، ص ۸۹، ۹۷ و ۹۸؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۹؛ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۲ و ج ۳، ص ۷۲.

### • اشاره به سرچشمه‌های گسستگی

درمان آسیب‌هایی که ریشه‌یابی شده است، راحت‌تر از درمان دیگر آسیب‌هاست. به همین سبب، خداوند متعال به ریشه‌یابی این آسیب‌ها اشاره کرده است، تا از این رهگذر به چند هدف مهم دست یابد:

**نخست:** اشاره‌ای برای بیدار کردن مسلمانان است.

**دوم:** درمان آسیب ریشه‌یابی شده، بسیار راحت‌تر از آسیب ریشه‌یابی نشده است.

**سوم:** هنگامی که ریشه آسیب روشن شده باشد، درمان آن نیز به صورت ریشه‌ای انجام می‌گیرد.

**چهارم:** همیشه «پیشگیری بهتر از درمان است». در این مورد نیز اراده خداوند بر پیشگیری از بروز این غده سرطانی در جامعه اسلامی است.

در آیه‌های نورانی دلایل مختلفی به عنوان ریشه جدایی بیان شده است. برخی از این دلایل عبارت است از:

۱. آزمایش خداوند؛
۲. انتخاب نادرست برخی از افراد؛
۳. برتری طلبی؛
۴. پایمال کردن حق یکدیگر؛
۵. پیروی از شیطان؛
۶. سرکشی و تجاوز از حق؛
۷. گرفتار شرک بودن؛
۸. مدعی بر حق بودن؛
۹. ناسپاسی نسبت به نعمت‌های خدا؛
۱۰. نادانی.

۱. مائده/۴.

۲. نحل/۹۲.

۳. نحل/۹۲.

۴. جاثیه/۱۷.

۵. بقره/۲۰.

۶. آل عمران/۱۹.

۷. روم/۳۱ و ۳۲.

۸. مائده/۴.

۹. آل عمران/۱۹.

بقره/۱۱۳.

در واقع، انسان با اندکی دقت و با توجه به موارد یاد شده به عنوان ریشه‌های جدایی و تفرقه، باید از خواب غفلت بیدار شود، تا از گزند تفرقه و جدایی در امان ماند. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، شاید یکی از دلایل بیان این موارد، آن است که غیرت انسانهای آگاه به جوش آید تا نگذارند این غده سرطانی گریبان‌گیر جامعه اسلامی شود.

### • ارائه راهکاری برای اتحاد

یکی از دلایل متحد نشدن جامعه‌های پراکنده شده، آن است که هر گروه به حقانیت خویش، باور دارد و بقیه گروهها و فرقه‌ها، را گمراه می‌دانند. به همین منظور، خداوند متعال از آنجا که به رفتاری مسلمانان در جدایی و گسست یقین داشته است، راهکار بسیار حساس و مناسبی برای اتحاد این امت پراکنده ارائه کرده است. در واقع، علت اصلی جدا شدن برخی از مسلمانان آن بوده است که در اندیشه و کردار دیگران چیزهایی می‌دیدند که به گمانشان اشتباه است؛ از این‌رو بر طبل جدایی نواخته و از مسیر دیگران جدا می‌شدند. حال تنها راه اتحاد این افراد با دیگران آن است که بدانند، داوری میان حق و باطل، راستی و ناراستی، از آن خداست که در روز قیامت دادگستری خواهد کرد و حقیقت را روشن می‌کند. به گونه‌ای که جای هیچ‌گونه شبهه‌ای باقی نمی‌ماند.

خداوند متعال در آیه‌های بسیاری بدین نکته اشاره کرده است. گاه این نکته را در ضمن آیه **﴿إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾**<sup>۱</sup>؛ «خدای تو، در روز قیامت میان آنها [بنی اسرائیل] در آنچه اختلاف کرده بودند، حکم می‌کند» به پیامبر ﷺ یادآوری کرده است. در برخی موارد، طرف سخن را مسلمانان قرار داده، بدیشان می‌گوید: **﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ...﴾**<sup>۲</sup>؛ «بازگشت همه شما به سوی خداست، [تا] در آنچه اختلاف می‌نمایید، حکم نماید» و گاهی نیز این مطلب را در ذیل داستان سایر امتها، بدین گونه **﴿... إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾**<sup>۳</sup>؛ «خدا میان اختلاف ایشان، در روز قیامت، حکم خواهد کرد» بیان می‌کند.

### پایان عطر آگین<sup>۴</sup>

با وجود آنکه در آیه‌های کتاب آسمانی بر اتحاد امت اسلامی تأکید شده، لیکن

۱. یونس/۹۳.

۲. مائده/۴۸؛ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: انعام/۱۶۴؛ نحل/۹۲؛ شوری/۱۰.

۳. جائیه/۱۷.

۴. برداشتی از آیه «خِثَامُهُ مِسْكٌ» (مطففین/۲۶).

هیچ‌گاه این مسئله به طور کامل پیاده نشده است. حتی زمانی که بزرگانی چون حضرت علی علیه السلام به دنبال یکپارچه‌سازی جامعه اسلامی بودند، برخی کارشکنی می‌کردند، لیکن با وجود همه کارشکنیها، عنصر اتحاد به عنوان آرمان جامعه اسلامی، در کلام ایشان مطرح بوده است؛ تا جایی که امامان شیعه (علیهم السلام) حتی در زمانی که پادشاهان ستمگر بنی‌امیه و بنی‌مروان و بنی‌عباس سردمدار قدرت بودند و بر شیعیان سخت‌گیری می‌کردند - در کنار مخالفت با ستمگری ایشان - به شیعیان سفارش می‌کردند که اتحاد و یکپارچگی امت اسلامی را بر هم نزنند و در مراسم و محافل اهل سنت شرکت کنند. پیشوایان پاک برای بیان این مسئله از چندین روش بهره می‌گرفتند. که برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

#### • تشویق

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هر کس [از شیعیان] در صف نخست نماز جماعت سنی‌ها نماز بخواند، همانند کسی است که در صف نخست نماز جماعت پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت کرده است»<sup>۱</sup>.

#### • دستور

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

خداوند متعال فرمود: «و با مردم به نیکی سخن بگویند»<sup>۲</sup>. شما از بیماران [اهل سنت] عیادت کنید، در تشییع پیکرهای آنها حاضر شوید، به سود یا زیان ایشان در دادگاه شهادت دهید و در مسجدها؛ ایشان با ایشان نماز را بر پا دارید<sup>۳</sup>.

#### • تخویف

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

دست خداوند با جماعت است، بپرهیزید از جدایی، چون تکران بشر، طعمه شیطان می‌شوند؛ همان‌گونه که گوسفندان تکره، غذای گرگ می‌شوند<sup>۴</sup>.

#### • شاهد آوردن از سیره

معاویة بن وهب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه با اهل سنت که به مسئله ولایت باور ندارند، برخورد کنیم؟ ایشان پاسخ داد:

«به پیشوایان آن که بدیشان اقتدا می‌کنند، بنگرید؛ همان‌گونه که ایشان با

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۸۰، ح ۶.

۲. بقره ۸۳.

۳. احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۱۸، ح ۵۱.  
 ۴. نهج البلاغه، خ ۱۲۷.

اهل سنت بر خورد می کنند، شما نیز چنان کنید. به خدا سوگند! که پیشوایان شما همیشه از بیماران آنها عیادت می کنند، در تشییع پیکرشان حضور می یابند، به سود یا زیان ایشان شهادت می دهند و امانتهای ایشان را بدانها باز می گردانند!»<sup>۱</sup>.

### نتیجه

با توجه به آنچه از آیه های نورانی و روایتهای دُر گوئۀ اهل بیت (علیهم السلام) بیان شد، هر خواننده منصفی به این نکته اذعان می کند که گمانۀ دستۀ سوم با آموزه های قرآنی و روایی، سازگار است؛ چرا که در واقع باید پذیرفت، «بی گمان بر همگان واجب است برای ایجاد یک پارچگی میان مسلمانان تلاش کنند و به یقین هر گونه زمینه سازی برای ایجاد پراکندگی و گسست در میان ایشان حرام است».

### منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل، البدایة و النهایة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۰۸ ق.
۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، مجمع جهانی اهل البیت، قم، ۱۴۱۳ ق.
۵. جبران، مسعود، الرائد، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۰ ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، الاعلمی، بیروت، ۱۳۰۰ ق.
۸. شیخ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران.
۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. متقی هندی، علاءالدین علی، کنز العمال، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مکتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، هجرت، قم، ۱۳۹۵ ق.